

دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۲۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

صص ۲۷۵-۳۰۵

قدرت هوشمند در اندیشه سیاسی امام خمینی: کاربست نظریه جوزف نای

DOR:20.1001.1.23225580.1399.10.19.0

نوع مقاله: پژوهشی

سید صدرالدین موسوی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹

چکیده

اگرچه قدرت نرم و هوشمند در طول تاریخ منابع مهم نفوذ یا تاثیرگذاری بوده اند، تغییر در سیاست دنیای مدرن بیش از پیش بر سودمندی آنها افزوده است. در حالیکه قدرت در قرن هجده میلادی احتمالاً توسط کسی که بهترین منابع قدرت سخت را در اختیار داشت تعیین می شد، در قرن بیست و یکم، انقلاب اطلاعات و ابداعات فزاینده در ساحت فن آوری منابع جدیدی برای قدرت تولید کرده اند. از دید جوزف نای، قدرت هوشمند عبارت است از "ترکیب قدرت نرم و سخت به شیوه موثر". هدف این پژوهش بررسی قابلیت کاربست نظریه قدرت هوشمند جوزف نای در اندیشه امام خمینی می باشد. فرضیه پژوهش حاضر آنست که بسیاری از شاخص های قدرت هوشمند جوزف نای قابلیت کاربست در اندیشه سیاسی امام خمینی را دارد. پس از جمع آوری منابع از طریق فیش برداری از اسناد مرتبط، داده های جمع آوری شده به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که آندسته از شاخص های قدرت هوشمند که ریشه در مبانی آموزه های غربی دارند قابلیت کاربست در اندیشه امام خمینی را ندارند، در حالیکه بسیاری از شاخص این قابلیت را دارند.

واژه گان کلیدی: امام خمینی، جوزف نای، قدرت هوشمند، قدرت نرم، قدرت سخت

۱- دانشیار و عضو هیات علمی گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

sadrmoosavi@gmail.com

(نویسنده مسئول)

مقدمه

توجه بیشتر به قدرت نرم و هوشمند فی نفسه نشان دهنده تغییر در عرصه روابط بین الملل است. اگرچه قدرت نرم و هوشمند در طول تاریخ منابع مهم نفوذ یا تاثیرگذاری بوده اند، تغییر در سیاست دنیای مدرن بیش از پیش بر سودمندی آنها افزوده است. به نظر می رسد که جهان در حال تطور، به سوی دنیای نرم تر و هوشمندتری در حرکت است. در حقیقت، این تحول، توانایی های بالقوه رهبران را برای استفاده از قدرت نرم و قدرت سخت تحت تاثیر قرار داده بگونه ای که آنها را در تلاششان برای استفاده بهینه از نفوذ یا تاثیرگذاری ملی با چالش روبرو کرده است. در این نظام بین المللی دگرسان شده، قدرت نرم و هوشمند عناصر فیصله بخش در ارتقاء کیفیت تاثیرگذاری بر نتایج یا خروجی های بین المللی هستند. امروزه صحنه جهانی کمتر پذیرای ابزارهای قدرت سخت از قبیل زور و تهدید است، و بیشتر از کنشگرانی استقبال می کند که نسبت به محدودیت های قدرت سخت و فرصتهای قدرت نرمی که توسط محیط جهانی ایجاد شده حساسیت بخرج می دهند (Gallarotti, 2010). در واقع، تنها از طریق یک تنوع بخشی بهینه میان قدرت نرم و سخت (یعنی، قدرت هوشمند) است که رهبران می توانند تاثیرگذاری ملی خود را در این دنیای دگرسان شده به حد اکثر برسانند.

در دنیایی که هر روز بدلیل جهانی شدن بیش از پیش همبسته می شود، ماهیت قدرت نرم در حال تغییر است. تغییر در محیط قدرت و همچنین تحول در مفهوم قدرت نیازمند مفصل بندی جدیدی از گفتمان قدرت است که بتواند با چالشهای جدید روبرو شود. قدرت هوشمند از جمله مقولات نوظهوری است که برغم جدید بودن آن، از نظر ماهیت واژه ای

مسبوق به سابقه است. قدرت هوشمند طی چند دهه گذشته توسط جوزف نای مطرح شده و قابلیت طرح و بررسی در گفتمان‌های مختلف، از جمله گفتمان امام خمینی، را دارد. تدقیق در اندیشه امام خمینی نشانگر آنست که اگرچه در اندیشه ایشان وجه نرم قدرت بر سخت افزار آن غلبه دارد، اما در سیره نظری و عملی ایشان می‌توان نگاه جدیدی به قدرت را مشاهده کرد که همان قدرت هوشمند است. اگرچه عناصر قدرت آفرین در اندیشه امام خمینی مبتنی بر جهان بینی اسلامی است، اما، امام خمینی استفاده از قدرت سخت را بطور مطلق نفی نمی‌کردند و البته عنصر زمان و مکان در نزد ایشان در کاربرد قدرت سخت بسیار موثر بود. همچنین گرچه رهبر انقلاب از مفهوم "قدرت هوشمند" استفاده نمی‌کردند و این مفهوم در گفتمان سیاسی دوران زعامت امام خمینی مطرح نشده بود، اما با تبیین رویکرد امام خمینی به مفهوم قدرت، می‌توان مفهوم قدرت هوشمند را در گفتمان سیاسی ایشان شناسایی کرد. "قدرت هوشمند" به خاطر انعطاف پذیری اش می‌توانست چارچوب مفیدی در اختیار رهبر انقلاب قرار دهد تا بتواند با چالشهای پیش رو روبرو شود. از دید جوزف نای قدرت هوشمند را می‌توان علاوه بر دولتها در مورد افراد نیز به کار برد. امام خمینی در سیاست خارجی و چه در مقابله با جنگ تحمیلی از قدرت هوشمند استفاده می‌کردند، چرا که از یکطرف به منابع و ابزارهای قدرت نرم برای تاثیرگذاری و اقناع طرف مقابل استفاده می‌کردند و هر جا که قدرت نرم به تنهایی کارآمدی لازم را نداشت از قدرت سخت استفاده می‌کردند (جوزف نای ترکیب این دو را به قدرت هوشمند تعبیر می‌کند).

مفهوم قدرت و قدرت نرم در اندیشه امام خمینی تا حدودی مورد بررسی قرار گرفته، اما تاکنون قدرت هوشمند در اندیشه امام خمینی بررسی نشده است. در این پژوهش پس از تبیین

ابعاد مختلف نظریه قدرت هوشمند جوزف نای تلاش شده است با بررسی آثار و سخنان امام خمینی قابلیت کاربست نظریه قدرت هوشمند در اندیشه سیاسی ایشان بررسی گردد.

نظریه های قدرت

به منظور درک بهتر قدرت هوشمند بعنوان مفهوم و چارچوبی برای سیاستگذاری، لازم است ابتدا نگاهی به ماهیت متغییر قدرت انداخته شود. قدرت مفهومی مناقشه برانگیز است، و اجماعی در مورد تعریف دقیق اش وجود ندارد. رابرت دال قدرت را چنین تعریف کرده است: "الف بر روی "ب" تا آنجا قدرت دارد که بتواند "ب" را وادار به انجام کاری کند که در غیر اینصورت "ب" آنرا انجام نمی داد" (Dahl, 1957: 202-203). مشکل این تعریف آنست که همزمان هم بسیار مضیق و هم بسیار موسع است. این تعریف تمرکز بر روی قدرت بر دیگران دارد و اما امکان تاثیرگذاری بر ترجیحات اولیه از طریق ایجاد چهارچوبها و تعریف دستورکار را نادیده می گیرد (Nye, 2011: 12; Lukes, 2005: 20-37). ایده ها و عقاید می توانند شکل ترجیحات را تا آنجا تعیین کنند که نیازی به اعمال قدرت از طریق اجبار دیگران به انجام کاری نباشد. عبارت دیگر قدرت می تواند از طرق متکثری، که به هم پیوسته اند، اعمال شود، اما نیازی به تصمیم آگاهانه برای وادار کردن دیگران به انجام کاری که معمولاً انجام نمی دهند ندارد. تعریف دال از قدرت بر دیگران عمدتاً مبنایی برای قدرت سخت است و دربردارنده درجه ای از اجبار برای انجام کاری توسط دیگران بر خلاف میل شان می باشد. اما اگر کسی قادر باشد ترجیحات دیگران را از همان ابتدا شکل بدهد، ممکن است دیگر نیازی به اجبار دیگران برای انجام کاری که او میخواهد انجام شود نداشته باشد و این بدان معنا نیست که منافع حاصله به ضد خود تبدیل می شوند. تغییر این ترجیحات، از طریق تعریف دستورکار یا برنامه، ترغیب و

جذب حاصل می‌شود. این مساله مورد تایید لوکس و تعریف او از قدرت نرم نیز هست (Nye: 2011, 16; Lukes, 2005: 20;28). بنابراین در بعضی زمینه‌ها استفاده از قدرت نرم ممکن است بهتر از قدرت سخت باشد.

موفقیت در دستیابی به نتیجه دلخواه، شدیداً بستگی به منابعی که در استراتژی مورد استفاده برای رسیدن به آن نتیجه به کار گرفته می‌شود دارد. اینکه چه منابعی مناسب چه اهدافی است به نوبه خود تا حدود زیادی بستگی به بستر آن داشته و در نتیجه از یک زمینه تا زمینه دیگر متفاوت است (Nye: 2010, 7).

تغییر در نظم بین‌المللی به معنای آنست که بسترهایی که در آن قدرت اعمال می‌شود نیز تغییر می‌یابند. اهمیت بستر زمانی روشنتر می‌شود که متوجه شویم چگونه بسترها بر ماهیت قدرت تاثیر می‌گذارند و آنرا فی نفسه تغییر می‌دهند. در حالیکه قدرت در قرن هجده میلادی احتمالاً توسط کسی که بهترین منابع قدرت سخت را در اختیار داشت تعیین می‌شد، در قرن بیست و یکم، انقلاب اطلاعات و ابداعات فزاینده در ساحت فن آوری منابع جدیدی برای قدرت تولید کرده اند (Nye: 2002, 42).

از دید جوزف نای قدرت مفهوم پیچیده‌ای است و درک آن نیز پیچیده است: "قدرت نرم در سیاست‌ها بین‌المللی مانند آب و هواست که همه درباره آن حرف می‌زنند اما عده کمی آن را درک می‌کنند" (Nye, 2004: 12). از دید نای سیاستمداران و مردم عادی اغلب قدرت را به عنوان داشتن توانایی تاثیرگذاری بر نتیجه کار معنا می‌کنند. کسی که اقتدار، ثروت یا شخصیت جذاب دارد، قدرتمندخوانده می‌شود. در این معنا "قدرت به معنای داشتن کارت برنده در یک بازی است (Nye, 2004: 12). به هر روی برخی

اعتقاد دارند که قدرت به معنای تاثیر گذاری بر رفتار دیگران به نحوی است که آنچه می خواهیم اتفاق بیافتد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۱).

جوزف نای، مفهوم "قدرت هوشمند" را زمانی مطرح کرد که متوجه شد قدرت سخت به تنهایی نمی تواند موجب دستیابی به اهداف در سیاست خارجی بشود. از دید جوزف نای، قدرت نرم عبارت است از "بدست آوردن آنچه می خواهیم از طریق جذب و نه از طریق سرکوب و تطمیع (پرداخت)". قدرت سخت عبارت است از تکیه بر زور و سرکوب؛ و قدرت هوشمند عبارت است از "ترکیب قدرت نرم و سخت به شیوه موثر" (Nye, 2008). نای ابتدا نظریه قدرت نرم را در مورد سازمان های بین المللی به کار می برد اما بعدها علاقه مند شد که آنرا در مورد رهبران بصورت انفرادی نیز بکار برد و در نتیجه مفهوم جدید "قدرت هوشمند" را ابداع کرد. از دید او، تعریف قدرت هوشمند عبارت است از "توانایی دستیابی به نتایج مرجح" یا "توانایی دستیابی به نتایج مورد نظر فرد" (Nye: 2011, 7; Nye: 2010, 2).

قدرت هوشمند از سیاستگذاران می خواهد که "قدرت را بگونه ای خلاقانه و مناسب با زمان خودشان در ترکیبی از نقاط قوت ابزارهای گوناگون قدرت دولت بکار بگیرند" (Wilson 2008: 113). قدرت هوشمند اجازه می دهد که سیاستگذاران استراتژی ای را برگزینند که با تغییرات سریع در محیط بین المللی خود را سازگار می کند.

راهبردهای کارآمد در دنیای واقعی ترکیبی از قدرت نرم و سخت هستند و "قدرت هوشمند" در اندیشه جوزف نای عبارت است از "ترکیب قدرت و نرم به شیوه موثر". نای استدلال می کند: اغلب، مردم فکر می کنند که قدرت سخت کافی است. بعضی از مردم قدرت نرم را معادل بدست آوردن "قلب و ذهن" دیگران می دانند. اما، برای کارآمد بودن

ما نیاز داریم که ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت را بکار بگیریم (Nye, 2008). برای مثال، تروریسم را در نظر بگیرید؛ ما نمی توانیم یک گروه تروریستی را صرفاً از طریق ترغیب و تشویق بطور موثر وادار کنیم که دست از اعمال تروریستی خود بردارند. اما زمانی که ما نیاز داریم با جریانهای اصلی تعامل کنیم و آنها را تشویق و ترغیب کنیم که جذب گروه های تروریستی نشوند، به قدرت نرم نیاز داریم. به کار بردن قدرت سخت در این زمینه باعث از دست دادن مشروعیت می شود.

آنچه که می تواند ما را به دستیابی به یک استراتژی کارآمد و رهبری موثر رهنمون کند، "قدرت هوشمند" است. این ایده که قدرت را می توان با ابزار دیگری غیر از اجبار اعمال کرد اهمیت قدرت هوشمند را در بکارگیری آن برجسته می کند.

این پژوهش در تلاش است با توجه به تعریف جوزف نای از قدرت هوشمند، با بررسی آثار و سخنان امام خمینی، قابلیت کاربرست نظریه قدرت هوشمند در اندیشه سیاسی ایشان مورد بررسی قرار گیرد.

اهداف پژوهش:

۱ - بررسی قابلیت کاربرست نظریه قدرت هوشمند جوزف نای در اندیشه سیاسی امام خمینی.

۲ - بررسی اصول بنیادین قدرت هوشمند در نظریه جوزف نای.

سؤال اصلی:

نظریه قدرت هوشمند جوزف نای تا چه اندازه قابلیت کاربرست در اندیشه سیاسی امام خمینی را دارد؟

سؤال فرعی ۱:

اصول بنیادین قدرت هوشمند در دیدگاه جوزف نای کدامند؟

سؤال فرعی ۲:

کدامیک از اصول بنیادین قدرت هوشمند جوزف نای در اندیشه سیاسی امام خمینی قابلیت کاربست دارد؟

پیشینه پژوهش

مرتضی اسمعیلی در "الگوی بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: مدلی برای قدرت سازی بازیگران منطقه ای" تلاش کرده است با دسته‌بندی و تئوریزه کردن ابعاد مختلف قدرت نرم و تمایز قائل شدن بین «منابع سخت» و «منابع نرم» از یک سو، و «منابع نرم» و «قدرت نرم» از سوی دیگر، برخلاف تمایز بین قدرت اجبار و قدرت جذب - آنچنان که نای و هوادارانش اشاره کرده‌اند - یک «تئوری منبع‌محور» از قدرت نرم ارائه دهد تا از طریق آن ضمن شکستن انحصار الگوی هژمونیک فعلی، زمینه بهره‌مندی قدرت‌هایی چون ایران، از کارویژه‌های قدرت نرم فراهم شود (اسمعیلی، ۱۳۹۶).

فتاحی و همکاران در "تجزیه و تحلیل الگوی قدرت نرم در خاورمیانه: مطالعه موردی عربستان سعودی" سعی کردند منابع و ابزارهای موثر قدرت نرم عربستان سعودی که باعث نفوذ آن در سطح منطقه و جهان اسلام شده اند را شناسایی کنند. نتایج پژوهش نشان داد که منابع و ابزارهای نفوذ این کشور سه حوزه فرهنگ (اسلام، توریسم و گردشگری اسلامی و سابقه علمی و آموزشی)، ارزش‌های سیاسی (ام القری، وهابیت، امت واحده، عربی اسلامی، خادم الحرمین و شیعه ستیزی) و سیاست خارجی (دیپلماسی عمومی، حج، دانشگاهها و رسانه‌ها) می باشد که بکارگیری آنها باعث گسترش نفوذ نرم افزارانه این

کشور در سطح منطقه و جهان اسلام شده است. همچنین عوامل محدود کننده قدرت نرم این کشور شامل حمایت از تروریسم، افراط گرایی مذهبی و شیعه ستیزی، ضعف دموکراسی و حقوق بشری، وابستگی به آمریکا و دخالت در کشورهای منطقه می باشد که عامل کاهش قدرت نرم این کشور شده است (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷)

علیا نسب و همکاران در "بررسی راهکارهای پیشگیری از تضعیف قدرت نرم رهبری انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی"، به بررسی روش هایی که دشمنان برای تضعیف قدرت نرم رهبری اسلامی به کار می برند با شیوه هایی که دشمنان علیه انبیا به کار برده اند و در قرآن به آنها اشاره شده است پرداخته اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که شیوه های دشمنان علیه رهبران الهی از زمان های دور تاکنون در چارچوب های مشابهی قرار دارند. بر این اساس در پژوهش حاضر برای مقابله با توطئه تضعیف قدرت نرم رهبری، راهکارهایی را که قرآن برای دفاع از انبیا به کار برده است مورد توجه قرار داده است (علیانسب و همکاران، ۱۳۹۷).

حسین رفیع و محمد جواد قربی (۱۳۹۰) در "بازخوانی قدرت نرم: مطالعه موردی عملیات روانی" استدلال می کنند که قدرت نرم امری چند بعدی، پیچیده و ماهیتی پلاستیک گونه و انضمامی دارد. قدرت جدید از ابزاری چون رسانه ها، مطبوعات، سایبر، نبرد اطلاعات و عملیات روانی و فریب استراتژیک بهره می گیرد که هر یک از ابزارها خود از پیچیدگی هایی برخوردار هستند. به همین دلیل در این مقاله بعد از پرداختن به قدرت نرم در ابعاد تئوریک (ترمینولوژی و معرفت شناسی)، نویسندگان به طور موردی، عملیات یا جنگ روانی را بررسی می کنند (رفیع، قربی، ۱۳۹۰).

افتخاری و کمالی (۱۳۹۴) در "ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی"، "ساختهای سازنده نظریه قدرت نرم در گفتمان اسلامی را بررسی کردند. در این خصوص نویسندگان ابتدا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، شرحی انتقادی از «قدرت نرم» در گفتمان سکولار غربی ارائه داده و سپس با استفاده از روش تفسیر موضوعی قرآن کریم، ساحت‌های این مفهوم در گفتمان اسلامی را استنباط و با اصول رویکرد سکولار مقایسه نموده‌اند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که انگاره "قدرت نرم" در گفتمان غربی تک‌بعدی و ناظر بر وجه مادی انسان است و لذا میان قدرت و اخلاق تفکیک قائل شده و از درک سایر منابع قدرت عاجز می‌باشد؛ حال آن که در گفتمان قرآنی این نظریه از چهار ساحت برخوردار بوده و در آن علاوه بر منابع قدرت، به مدیریت، استحکام و خاستگاه قدرت نیز توجه شده است (افتخاری و کمالی، ۱۳۹۴).

سلطانی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در "دگرگونی مفهوم قدرت در پرتو فناوری نوین اطلاعاتی-ارتباطی"، به بررسی ارتباط منطقی میان فناوری نوین اطلاعاتی و مفهوم قدرت در دنیای امروز پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در پرتو فضای مجازی که در نتیجه فناوری‌های نوین اطلاعاتی به وجود آمده است، مفهوم قدرت ابعاد وسیع‌تری پیدا کرده است که در این میان بعد فرهنگی و نرم‌افزاری آن تبدیل به مسئله محوری روابط بین‌الملل گشته است (سلطانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵).

هیچکدام از پژوهشهای فوق به مساله قدرت هوشمند در اندیشه امام خمینی بر اساس مدل جوزف نای نپرداخته‌اند. لذا پژوهش حاضر تلاشی است برای پر کردن خلا موجود در این زمینه.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع اسنادی است. در پژوهش حاضر صرفاً از اسناد نوشتاری استفاده خواهد شد. منظور از سند "هر ماده یا شی‌ای است که پدیده‌های اجتماعی بر روی آنها اثراتی نهاده‌اند و برای انسانها دارای معنا و مفهوم خاصی می‌باشند...تعریف اسناد: کلیه مواد نوشتاری، عددی، صوتی و تصویری و دست‌ساخته‌های بشری در این تعریف جای می‌گیرد. بطور کلی اسناد را می‌توان به چهار گروه تقسیم بندی نمود: نوشتاری، عددی، صوتی و تصویری، و فنی." (ازکیا، دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۳۷۸). در این پژوهش صرفاً از اسناد نوشتاری استفاده خواهد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد.

تعریف مفاهیم

قدرت نرم

قدرت نرم عبارت است از "بدست آوردن آنچه می‌خواهیم از طریق جذب و نه از طریق سرکوب و تطمیع (پرداخت). قدرت نرم برخاسته از جذابیت فرهنگ، ایده‌های سیاسی و سیاستهای یک کشور است. هنگامیکه سیاستهای ما در چشم دیگران مشروع جلوه کنند، قدرت نرم ما افزایش می‌یابد" (Nye, 2004: x; 5). شیوه غیر مستقیم دستیابی به آنچه ما می‌خواهیم را گاهی "چهره دوم قدرت" می‌خوانند. کشوری ممکن است آنچه را در دنیای سیاست می‌خواهد بخاطر ستایش سایر کشورها از ارزشهایش، تقلید از الگوهایش، آرزو برای دستیابی به سطح شکوفایی اش و آزادی هایش بدست بیاورد. بدین معنا مهم است که برنامه عمل منسجمی برای جذب دیگران در دنیای سیاست وجود داشته باشد و صرفاً آنها را با استفاده از تهدید نیروی نظامی یا تحریم اقتصادی وادار

به تغییر نکنیم. این قدرت نرم - همراه کردن دیگران به نتیجه ای که ما می خواهیم - آنها را به همکاری و نه اجبار وامی دارد (Nye, 2004: 5).

قدرت سخت

از نظر جوزف نای قدرت سخت عبارت است از تکیه بر زور و سرکوب (Nye, 2004: 7). همچنین از دید او قدرت سخت در قدرت نظامی و اقتصادی انعکاس می یابد: "همه با قدرت سخت آشنا هستند. ما می دانیم که قدرت نظامی و اقتصادی اغلب دیگران را وادار می کند که تغییر موضع بدهند. قدرت سخت می تواند بر ترغیب (هویج) و تهدید (چماق) متکی باشد" (Nye, 2004: 5). رابرت دال قدرت را چنین تعریف کرده است: "الف بر روی ب تا آنجا قدرت دارد که بتواند ب را وادار به انجام کاری کند که در غیر اینصورت ب آنرا انجام نمی داد" (Dahl, 1957: 202-203).

قدرت هوشمند

قدرت هوشمند عبارت است از "ترکیب قدرت نرم و سخت به شیوه موثر" (Nye, 2008). در واقع، تنها از طریق یک تنوع بخشی بهینه میان قدرت نرم و سخت (یعنی، قدرت هوشمند) است که رهبران می توانند تاثیرگذاری ملی خود را در این دنیای دگرسان شده به حد اکثر برسانند. تغییرات زیادی در سیاست جهانی در این زمینه خودنمایی می کنند. در واقع، دولتها اشتیاق فزاینده ای برای ایجاد تعادل میان جنبه های نظامی و غیر نظامی قدرت از خود نشان می دهند. به این ترکیب قدرت هوشمند گفته می شود (Reverson, 2010).

مفهوم قدرت در اندیشه امام خمینی

امام خمینی معتقد است که قدرت عبارت است از "توانایی بر ایجاد" (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۲۹۱). همچنین ایشان توانایی ایجاد را مشروط به شروطی می کنند و هر توانایی

را قدرت نمی دانند. امام بر این عقیده اند که حقیقت قدرت این است که ایجاد از روی علم و اراده باشد و فاعل قوه "ان یفعل و ان لا یفعل" داشته باشد. از اینرو می توان تعریف قدرت از دید امام را چنین تعریف کرد: "کون الفاعل بحیث ان شاء فعل و ان لم یشاء لم یفعل" (موسوی خمینی، ۱۳۸۱).

چهارچوب نظری: قدرت هوشمند جوزف نای

در این بخش تحلیلی نظام مند از قدرت هوشمند جوزف نای ارائه می شود. بدین منظور اصول بنیادین قدرت هوشمند: قدرت سخت و قدرت نرم در دیدگاه جوزف نای؛ اصول بنیادین قدرت هوشمند، رابطه میان قدرت سخت و قدرت نرم مورد بررسی قرار می گیرد. نهایتاً شاخص های قدرت نرم استخراج و قابلیت کاربست نظریه جوزف نای در اندیشه امام خمینی مورد بررسی قرار می گیرد.

اصول بنیادین قدرت هوشمند

فهم و درک قدرت هوشمند در دنیایی که به لحاظ تاریخی با آهنگ بی سابقه ای در حال تغییر و نتیجتاً ایجاد پیامدهای تکان دهنده است حائز اهمیت است. در واقع بزرگترین تغییرات در زندگی بشر طی یکصد سال گذشته اتفاق افتاده است. این موج طغیانگر تغییر، یک نظام جهانی ایجاد کرده که سرعت و حجم خروجی های آن کشورها را با بزرگترین تهدیدها و فرصت ها روبرو کرده است. این وضعیت یک "فضای ابهام آلود از قدرت" ایجاد کرده که درک آن برای محققان و تصمیم سازان دشوارتر از گذشته شده است (Beck, 2005). در نتیجه قدرت ملی چنان تغییر ماهیت داده که اندازه گیری و متعاقباً مدیریت آن بسیار مشکل شده است. این وضعیت نیازمند رویکردهای جدید به مطالعه مفهوم قدرت و نقش متغیر آن در سیاست بین الملل است. ملتها هنوز هم در وهله اول بر

منابع عمده قدرت شان برای رویارویی با این خروجی‌ها و تغییرات تکیه می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که مطالعات قدرت بین‌المللی نسبت به اهمیتش در سیاست بین‌الملل هنوز به اندازه کافی پیشرفت نکرده است (Baldwin, 2016).

دیدگاه‌های متعارف در مورد قدرت دولت نمی‌تواند به ما کمک کند که به فهم کاملی از نظام بین‌الملل مدرن جهان وطنی دست پیدا کنیم. این موضوع نیازمند یک نظریه قدرت جهان وطنی در سیاست جهانی می‌باشد (Barnett and Duvall, 2005).

در دیدگاه جوزف نای اصول بنیادین قدرت نرم به دو دسته تقسیم می‌شوند: منابع بین‌المللی؛ و منابع داخلی (منابع داخلی به نوبه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: فرهنگی و نهادهای سیاسی). منابع بین‌المللی قدرت نرم عبارتند از: احترام به قوانین، هنجارها و نهادهای بین‌المللی؛ اتکاء اساسی بر چندجانبه‌گرایی و عدم تمایل به یکجانبه‌گرایی، احترام به معاهدات و تعهدات بین‌المللی؛ و تمایل به قربانی کردن منافع ملی کوتاه مدت به منظور مشارکت در مصلحت عمومی. منابع فرهنگی قدرت نرم عبارتند از: انسجام اجتماعی، سطح زندگی متعالی، آزادی، رواداری، سبک زندگی جذاب، و منزلت فرهنگی (دینی، نژادی، قومی). نهادهای سیاسی قدرت بعنوان منابع قدرت نرم عبارتند از: دموکراسی، قانون اساسی‌گرایی، لیبرالیسم/تکنوکراسی و بروکراسی دولتی (کارآمد Nye, 2002: 113-119).

تفاوت قدرت سخت و قدرت نرم را می‌توان بدینگونه بیان کرد: قدرت سخت طرف مقابل را اساساً از طریق تکیه بر منابع قدرت ملموس (مادی) - روشهای عمدتاً مستقیم (چه نمادین چه استفاده واقعی) - مجبور به اطاعت (موافقت) می‌کند. اما، قدرت نرم، اطاعت (موافقت) را از طریق سیاستها، ویژگیها و کنش‌هایی که یک ملت را برای سایر ملتها

جذاب جلوه می دهد - شیوه های غیر مستقیم تر و غیر اجباری - کسب می کند. از این منظر، قدرت سخت تضاد منافع بیشتری را نسبت به قدرت نرم به نمایش می گذارد. در قدرت سخت تصور بر این است که یک ملت سایر ملتها را مجبور به انجام کاری می کند که در فقدان اجبار نخواهند کرد. این به تعریف رابرت دال از قدرت نزدیک است (Dahl, 1961). از طرف دیگر، قدرت نرم، ملتهای هدف را بگونه ای شرطی می کند که داوطلبانه کاری را که صاحب قدرت نرم از آنان می خواهد انجام بدهند. از اینرو هماهنگی منافع بیشتری میان آنها وجود دارد.

۳- رابطه میان قدرت نرم و قدرت سخت

رابطه میان دو عنصر قدرت هوشمند، یعنی قدرت سخت و قدرت نرم، پیچیده، درهم تنیده و تعاملی است: این دو عنصر نه جایگزین کامل و نه مکمل کاملی برای یکدیگرند، اگرچه اغلب یکدیگر را تقویت می کنند. مطمئناً یک تصویر مثبت می تواند تعهدات امنیتی بیشتری را به همراه داشته باشد، که به نوبه خود می تواند دفاع یک کشور در حوزه سخت را تقویت کند. البته، جنگهایی که به شکل جنگ آزادیبخش هستند (دخالتهای انسان دوستانه) تصویر بهتری برای کشور حمایتگر به ارمغان می آورند. برای نمونه، گیلپین بر این عقیده است که قدرت نرم ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم از طریق صلح امریکایی (پکس امریکانا) مبتنی بر بنیه نظامی امریکا تقویت شد (Gilpin, 2002). بعلاوه، برخورداری از قدرت سخت فی نفسه می تواند یک کشور را به شیوه های گوناگون به یک الگو تبدیل کند. زرادخانه های نظامی عظیم و راهبردهای نظامی موفق می توانند از طریق افزایش احترام و تحسین، قدرت نرم قابل ملاحظه ای ایجاد کنند (Waltz, 1979). اما قدرت سخت نمی تواند به شیوه هایی استفاده شود که آن احترام و تحسین را تضعیف

کند. بعبارت دیگر، قدرت سخت نمی تواند به شیوه هایی استفاده شود که با اصول بنیادین قدرت نرم زاویه داشته باشد. استفاده از زور تنها زمانی می تواند قدرت نرم ایجاد کند که استفاده از آن در خدمت اهدافی باشد که تصور می شود با صلح بانی و رهاییبخشی سازگار باشد.

در عین حال، استفاده بی جا از یک نوع قدرت، نوع دیگر قدرت را تضعیف خواهد کرد. قدرت سخت، اگر به شیوه تجاوزکارانه-یکجانبه گرایانه (تهدید، تجاوز یا امپریالیسم) استفاده شود، آسیب های آشکاری برای تصویر یک کشور بر جای می گذارد. اما اعمالی که قدرت نرم را تقویت می کند نیز می تواند به همان اندازه برای قدرت سخت هزینه بر بوده و آنرا به مسلخ ببرد. این موضعی است که بسیاری از یکجانبه گرایان امریکایی بخاطر محدودیتهایی که معاهدات بین المللی بر کنش های فردی اعمال می کند به آن علاقه ای ندارند: برای مثال، آنها استدلال می کنند که معاهدات بین المللی مربوط به گرم شدن زمین مانع رشد اقتصادی امریکا می شوند، مقررات قانون دریاها دسترسی به منابع مهم را محدود می کنند، و دادگاه بین المللی کیفری ممکن است کارآمدی عملیات نظامی ماوراء بحار را کاهش بدهد.

تاثیر تعاملی دیگر میان این دو نوع قدرت این است که استفاده از یک مجموعه از منابع ممکن است باعث صرفه جویی یا افزایش نیاز به یک مجموعه ی دیگر از منابع گردد. یک تصویر مثبت ممکن است نتایجی در یک چارچوب مطلوب برای یک کشور ببار بیاورد که در واقع نیاز او به استفاده از منابع قدرت سخت برای کسب موافقت یا اطاعت در مسائل مهم را کاهش دهد.

شاخص سازی قدرت هوشمند و کاربرت آن در اندیشه سیاسی امام خمینی

به منظور بررسی قدرت هوشمند در اندیشه امام خمینی بر اساس نظریه جوزف نای، ابتدا ضروری است شاخص های قدرت هوشمند در اندیشه ایشان استخراج شود. آنچه که از محتوای نظریه جوزف نای در توضیح واژه قدرت هوشمند بر می آید این است که قدرت هوشمند از ترکیب و استفاده بهینه قدرت سخت و قدرت نرم بدست می آید. بعبارت دیگر قدرت ترکیب قدرت سخت و قدرت نرم بصورت موثر منجر به قدرت هوشمند می گردد. اما، از آنجا که در مورد منابع سخت قدرت تا حدود زیادی اجماع وجود دارد، در این پژوهش ابتدا شاخص های قدرت نرم بعنوان مولفه اصلی قدرت هوشمند در نظریه جوزف نای استخراج و سپس قابلیت کاربرت این شاخص ها در اندیشه سیاسی امام خمینی تبیین خواهد شد.

بر اساس نظریه قدرت هوشمند در دیدگاه جوزف نای که در بالا آمد، قدرت سخت عمدتاً به قدرت نظامی اشاره دارد. اما شاخص های قدرت نرم به دو دسته تقسیم می شوند: منابع بین المللی؛ و منابع داخلی (منابع داخلی به نوبه خود به دو دسته تقسیم می شوند: فرهنگی و نهادهای سیاسی). منابع بین المللی قدرت نرم عبارتند از: احترام به قوانین، هنجارها و نهادهای بین المللی؛ اتکاء اساسی بر چندجانبه گرایی و عدم تمایل به یکجانبه گرایی، احترام به معاهدات و تعهدات بین المللی؛ و تمایل به قربانی کردن منافع ملی کوتاه مدت به منظور مشارکت در مصلحت عمومی. منابع فرهنگی قدرت نرم عبارتند از: انسجام اجتماعی، سطح زندگی متعالی، آزادی، رواداری، سبک زندگی جذاب، و منزلت فرهنگی (دینی، نژادی، قومی). نهادهای سیاسی قدرت بعنوان منابع قدرت نرم عبارتند از:

دمکراسی، قانون اساسی گرای، لیبرالیسم/تکثرگرایی و بروکراسی دولتی کارآمد (Nye, 2002: 113-119).

کاربست شاخص های بین المللی

در این قسمت قابلیت کاربرد شاخص های بین المللی قدرت نرم احساء شده در نظریه جوزف نای در اندیشه امام خمینی مورد بررسی قرار می گیرد.

احترام به قوانین و هنجارهای بین المللی

اصل احترام متقابل از ارکان روابط بین الملل است. جوزف نای نیز این اصل را یکی از اصول قدرت هوشمند بر می شمارد. امام خمینی نیز بر اصل احترام متقابل در روابط خارجی تاکید دارند: "روابط خارجی ما بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است و بر این اساس با هر کشوری که مایل باشد با احترام متقابل عمل می کنیم" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵: ۸۰).

در دیدگاه امام خمینی، استقلال کشور که در سه شعار عمده انقلاب نیز تجلی پیدا کرد از جایگاه رفیعی برخوردار است. از اینرو، امام هرگونه دخالت خارجی در امور داخلی کشور را نفی می کند. به همین خاطر به نظر می رسد که شرط احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی ایران از پیش شرط های احترام متقابل در اندیشه امام هست:

«ما با تمام دولت ها، در صورتی که دخالت در امور داخلی ما نکنند و برای ما احترام متقابل قائل باشند، با احترام رفتار می کنیم» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵: ۱۸۲).

احترام متقابل که یک هنجار بین المللی شناخته شده است، در اندیشه امام خمینی رنگ اسلامی به خود می گیرد و تا حدودی مبتنی بر این اصل اسلامی تفسیر می شود که یک دولت اسلامی نه

ظلم می کند و نه ظلم می پذیرد. شاید بتوان احترام متقابل را بر اساس این اصل اسلامی نیز تبیین کرد که یک جنبه احترام متقابل ظلم نکردن و زیر بار ظلم نرفتن است:

"روابط ما با جامعه غرب؛ یک روابط عادلانه است که نه زیر فشار ظلم آنها خواهیم رفت و نه ظلمی بر آنها روا خواهیم داشت. ما با آنها به طور احترام متقابل رفتار خواهیم کرد، و با آنها اگر آنها هم احترام متقابل را حفظ کنند و نخواهند بر ما تحمیل کنند... ما روابط حسنه با آنها داریم" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳: ۵۱۵).

چندجانبه گرایی

اگرچه یکی از اصول سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی اصل "نه شرقی، نه غربی" است، اما همانگونه که ذکر شد، این اصل به معنای انزوای طلبی نیست. در اندیشه امام خمینی اصل چندجانبه گرایی به شدت پررنگ است. امام خمینی حتی در زمینه رابطه با آمریکا و شوروی بر این عقیده بودند که: "آمریکا و شوروی؛ اگر دخالت در امور داخلی ما نکنند و با ما روابط حسنه داشته باشند با آنها روابط برقرار خواهیم کرد." (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵: ۳۸۰). این موضع از یکطرف نشانگر اصل چندجانبه گرایی و از دیگر سو نمایانگر تمایل به روابط حسنه با همه اعضای جامعه بین الملل می باشد. البته، این روابط مشروط به عدم دخالت در امور داخلی ایران است که یک اصل کلی در سیاست خارجی قریب به اتفاق کشورهای جهان می باشد. البته نباید از نظر دور داشت که عدم مداخله در امور داخلی کشورها یک اصل دوجانبه است. و از اینرو، در اندیشه امام خمینی از یکسو مداخله در امور داخلی سایر کشورها مجاز نیست و از دیگر سو به هیچ کشوری اجازه مداخله در امور داخلی ایران داده نمی شود:

"قوانین اسلام تصریح دارند که هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴: ۴۲۴).

از یک منظر می توان اصل نه شرقی نه غربی را در چهارچوب مفهوم استقلال تبیین کرد. در اندیشه امام خمینی، اصل نه شرقی نه غربی همانگونه که ذکر شد به معنای انزوایی نیست، بلکه بیشتر تاکید بر استقلال از قدرتهای خارجی است. ضمن داشت روابط حسنه می باشد:

«اینکه جوانان ما می گویند نه شرق و نه غرب، معنایش این است که هیچ کدام در ایران دخالت نکنند؛ و این کاملاً به جا و به حق است» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۸: ۱۱۴).

احترام به معاهدات و تعهدات بین المللی

احترام به تعهدات بین المللی در اندیشه امام خمینی مبتنی بر اصل اسلامی "اوفو بعهدهم" می باشد.

آیات قرآنی نظیر (وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ) [سوره مؤمنون، آیه ۸] و (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) [سوره مائده، آیه ۱] و براساس قاعده فقهی «المؤمنون عند شروطهم» وفاداری به پیمانها و پایبندی به تعهدات ضروری است.

برای نمونه امام صراحتاً اعلام می دارند که طبق آموزه های اسلامی ایران به قراردادهایی منعقد شده التزام دارد:

«چنانچه توجه به تاریخ داشته باشید، عراق جزء ایران است؛ مداین از ماست و از ایران است. و شواهد موجود است در خود مداین و در طاق کسری آن بنای عظیم کسری الآن در [نزدیک] بغداد موجود است. لکن ما از باب اینکه تابع اسلام هستیم و قراردادهایی که شده است محترم می شماریم، هر گز بنای این مطلب را نداریم که حتی به یک وَجَب از

مملکت عراق - که به حسب حالاً مال عراق است - تعدی کنیم. و حتی یک وَجَب از زمین خودمان را نخواهیم به دیگران داد» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴: ۸۳). اصل وفای به عهد از آموزه های اسلامی است که در اندیشه امام نیز بازنمایی شده و بصورت مبنایی برای سیاست خارجی ایران در آمده است.

مشارکت در مصلحت عمومی

در رویکرد امام خمینی به روابط بین الملل، انزوایی جایگاهی ندارد و تمایل برای مشارکت در مصلحت عمومی در ذات این رویکرد نهفته است.

در اندیشه امام خمینی، دنیا مانند یک عائله و یک شهر است:

”ما نمی خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا منعزل باشد، ایران امروز نمی تواند این طور باشد، بلکه کشورهای دیگر هم نمی تواند این طور باشد، که در یک جا بنشینند و مرزهایشان را ببندند، این غیر معقول است. امروز دنیا مانند یک عایله و یک شهر است، و یک شهر دارای محله های مختلفی است که با هم ارتباط دارند. وقتی دنیا وضعش این طور است ما نباید منعزل باشیم. ما باید با کشورهای بی که با ما هستند و ما را اذیت نمی کنند، روابط داشته باشیم و آقایان در این فکر باشند که روابط را تحکیم کنند» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۹: ۴۱۳).

هنگامیکه به دنیا به مثابه یک خانواده یا یک شهر نگاه شود، بطور طبیعی، افراد تصمیم ساز در خانواده یا شهر، برای حفظ مصلحت عمومی از منافع کوتاه مدت خود می گذرند. در این رویکرد، انتظار می رود که سایر اعضای خانواده یا شهروندان این شهر نیز از همین رویکرد پیروی کنند. زمانیکه سایر اعضا از این رویکرد پیروی نکنند، زمینه برای عدول عضوی که

به این اصل معتقد است فراهم می شود. از اینرو، امام خمینی با آگاهی از ماهیت روابط بین الملل و رفتار کشورها، اصل دیگری را نیز در روابط خارجی ارائه می دهد:

«اسلام برای همه است، دلسوز برای بشر است. ما هم تابع اسلامیم، ما هم دلسوزیم برای بشر. ما با هر کس که با ما به طور انسانی رفتار کند ما با او دوستیم» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱: ۱۴).

در این رویکرد اولاً، رعایت خیر و مصلحت عمومی یک اصل ماهوی است. ثانیاً، واحد تحلیل در این رویکرد انسان بما هو انسان بصورت غیر مشروط می باشد. بعبارت دیگر، در این رویکرد اسلام مصلحت بشر را در نظر می گیرد و امام نیز در سیاست خارجی مصلحت همه انسانها را در نظر می گیرد. در چنین رویکردی مصلحت عمومی اولویت پیدا می کند و منافع کوتاه مدت فدای منافع بلند مدت در چارچوب خیر یا مصلحت عموم جهانی قرار می گیرد. اما در صورت تخطی سایر شهروندان این شهر یا اعضای این خانواده، و عدول آنها از رفتار انسانی نبایستی انتظار داشته باشند که این سیاست دوام پیدا کند.

کاربست شاخص های داخلی

در این قسمت قابلیت کاربرد شاخص های داخلی قدرت نرم احساء شده در نظریه جوزف نای در اندیشه امام خمینی مورد بررسی قرار می گیرد.

دمکراسی

اگر دمکراسی را به معنای رایج آن یعنی حکومت مردم بر مردم در نظر بگیریم، امام خمینی به نقش تعیین کننده مردم در تعیین نوع حکومت و سیاستهای آن التزام داشتند تا آنجا که امام می فرماید:

"آزادی و دموکراسی به تمام معنا در حکومت اسلامی است" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵ : ۶۹-۷۰). "اسلام در رابطه بین دولت و زمام دار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز رابطه مسلط و زیر سلطه به وجود نمی آید" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵ : ۴۰۹).

"اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آن ها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت، او ولی منتخب مردم می شود و حکمش نافذ است" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱ : ۳۷۱). در عین حال امام خمینی ولایت را منوط به تشکیل حکومت بر اساس آرای اکثریت مسلمین طبق قانون اساسی می داند که "در صدر اسلام تعبیر می شده به بیعت با ولی مسلمین" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰ : ۴۵۹).

قانون اساسی گرای

انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای بزرگ دنیا، اولین انقلابی است که رهبر آن در همان ماه های دستور تدوین قانون اساسی را صادر کرد. در تاریخ ۴ / ۳ / ۱۳۵۸ بنیانگذار جمهوری اسلامی در حکمی به مهندس مهدی بازرگان خواستار تسریع در تدوین و تصویب قانون اساسی شدند: "لازم است ملت مبارز ایران هر چه زودتر سرنوشت آینده مملکت خویش را به دست گیرد.... از این رو طرح قانون اساسی را - که شورای طرح های انقلاب، مشغول تدوین و تکمیل آن هستند - با سرعت تکمیل، و به تصویب شورای انقلاب رسانده و هر چه زودتر در اختیار افکار عمومی بگذارید تا همه صاحب نظران و تمامی اقشار ملت - در مدت محدودی که تعیین می نمایید - پیشنهادها و نظرات خود را درباره آن

ابراز نمایندند.... و مجلس متشکل از نمایندگان مردم با توجه به همه پیشنهادها مفیدی که رسیده است مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نمایندند..... پس از آنکه این قانون اساسی در جمع نمایندگان صاحب نظر مردم مورد بررسی نهایی قرار گرفت، به رأی گذارده شود و طی یک همه پرسی نهایی، همه آحاد ملت قبول یا رد خود را مستقیم درباره آن ابراز نمایندند. و سعی شود که تمام این مراحل در اسرع وقت انجام گیرد تا با انتخاب رئیس جمهوری و نمایندگان مجلس، ارکان حکومت جمهوری اسلامی استقرار یابد (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷: ۴۸۲ - ۴۸۳).

"از صدر عالم تا کنون تمام انبیا برای برقرار کردن قانون آمده اند و اسلام برای برقرار کردن قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده اند و تسلیم قانون بوده اند" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴: ۴۱۴).

تکثرگرایی و اعتلای قومی و دینی

امام انتخابات را متعلق به همه مردم می داند و معتقد است همه به طور برابر از حق رأی برخوردارند. ایشان از مشارکت سیاسی زنان و اقلیت های دینی و مذهبی نیز حمایت می کرد و معتقد بود در اسلام بین قشرها هیچ تفاوتی نیست.

«این مملکت مال همه ماست ... مال اقلیت های مذهبی، مال مذهبیون ما، مال برادران اهل سنت ما. همه ما با هم هستیم.» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۶: ۸۴).

امام خمینی از تدوین کنندگان قانون اساسی می خواهد که حقوق همه ملت را در نظر بگیرند: "و مجلس متشکل از نمایندگان مردم با توجه به همه پیشنهادها مفیدی که رسیده است مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نمایندند. و سعی شود که در آن کلیه حقوق و آزادیها و فرصت های رشد و تعالی و استقلال این ملت بر مبنای موازین اسلامی -

که ضامن حقوق حقه همه افراد است و اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران بدان رأی مثبت داده است - پیش بینی گردد" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷: ۴۸۲ - ۴۸۳).

اقلیت های مذهبی نه تنها آزادند، بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند و دیگر آن که هر ایرانی حق دارد مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد و در این میان، مسلمان و مسیحی و یهودی و یا مذاهب دیگر تفاوتی ندارند؛ چراکه همه ایرانی و محترم اند.

"ممکن است که یک اغفالهایی باشد، یک تبلیغات سوئی باشد. مثلاً می گویند که اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلام باید از بین بروند! این خلاف اسلام است. اسلام اقلیتهای مذهبی را احترام گذاشته است؛ اسلام اقلیتهای مذهبی را در مملکت ما محترم می شمرد. و همین طور در اسلام بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست؛ بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد. این مملکت مال همه ماست، مال همه ما. مال اقلیتهای مذهبی، مال مذهبیون ما، مال برادران اهل سنت ما. همه ما با هم هستیم. (موسوی خمینی، صحیفه امام ج ۶: ۸۳-۸۴).

در مجموع مبانی نظری امام در دفاع از آزادی و برابری همه شهروندان در امور سیاسی، زمینه ساز اعتقاد راسخ ایشان به «مشارکت سیاسی مردم» و «حق نظارت عمومی آنان بر حوزه سیاسی» است (فوزی، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

رواداری

"اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهب آزادی داده است، آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان ها قرار داده است، بهره مند شوند. ما به بهترین وجه از آنها نگهداری می کنیم. در جمهوری اسلامی کمونیست ها نیز در بیان عقاید خود آزادند." (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴: ۳۶۳ - ۳۶۴)

"تمام اقلیتهای مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف می داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند." (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴: ۴۴۱).

"ما طبیعتاً نسبت به عقاید مذهبی دیگران بیشترین احترام را پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد می گذاریم، شرایط حیات برای اکثریت مسلمانان و اقلیت های مذهبی بسیار خوب خواهد شد." (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴: ۳).

انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی که در بیان امام به "وحدت کلمه" و "پیوستگی" تعبیر می شود از مولفه های مهم قدرت به شمار می آید

"ما پیوستگی خودمان را به اقلیتهای مذهبی اعلام می کنیم. ما برادری خودمان را به برادران اهل سنت اعلام می کنیم. ... ما اعلام می کنیم وحدت کلمه مسلمانان را. اگر مسلمانان وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا بکنند" (موسوی خمینی، صحیفه امام ج ۶: ۸۳).

لیبرالیسم و سبک زندگی جذاب

"لیبرالیسم" و "سبک زندگی جذاب" از جمله بنیادهای قدرت نرم در اندیشه جوزف نای است. لیبرالیسم در نظریه قدرت امام خمینی کاربست ندارد، چرا که با توجه با ابتناء نظریه قدرت نرم امام خمینی بر آموزه های اسلامی، تفاوت فاحشی در رویکرد امام خمینی و جوزف نای به این دو بنیاد قدرت نرم دیده می شود. بدون شک سبک زندگی جذاب یکی از مبانی قدرت نرم در اندیشه امام خمینی است. اما مولفه های جذابیت در اندیشه امام

خمینی با مولفه های سبک زندگی جذاب در اندیشه جوزف نای تفاوت ماهوی آشکار دارد که از موضوع این پژوهش خارج است.

بروکراسی دولتی کارآمد

امام خمینی معتقد بودند که حکومت اسلامی باید کارآمد باشد شاخص های کارآمدی را در سعادت دنیا و آخرت خلاصه می کردند: "ان شاءالله اگر حکومت اسلامی جریان پیدا بکند، برای همه رفاه هست، برای همه سعادت است، برای همه رفاه و سعادت دنیا و آخرت است" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷: ۶۱)؛ و همچنین می فرمایند: "حکومت اسلامی اگر همه ان شاءالله پیاده بشود، به آن طوری که بر پیغمبر اسلام نازل شده است، سعادت دنیا و آخرت ملت ها را ضمانت کرده است" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳: ۳۶۶).

آزادی

امام خمینی آزادی را که ریشه در انسان شناسی ایشان دارد نعمت و امانت الهی می داند. آزادی از دید امام خمینی یکی از حقوق طبیعی و فطری انسان است، زیرا انسان عبد خداست و هیچ انسانی نمی تواند انسان دیگری را به عبودیت خود دعوت کند. آزادی او را سلب کند. امام خمینی از این اصل اعتقادی به اصل آزادی بشر را استخراج می کند: "آزادی بهترین نعمت است که خدا برای بشر قرار داده. (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷: ۳۶۷). "یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴: ۲۴۲).

البته امام خمینی آزادی را در چهارچوب تعلیمات اسلامی می پذیرد: "آزادی در حدود قانون است، یعنی آن مقداری که خدای تبارک تعالی به ما آزادی داده است در آن مقدار آزاد هستیم، آزاد نیستیم که فساد بکنیم، هیچ انسانی آزاد نیست که کار خلاف عفت بکند، هیچ انسانی آزاد نیست که برادر خودش را اذیت بکند و ... (موسوی خمینی، صحیفه

امام، ج ۸: ۲۸۳) در اسلام اختناق نیست، در اسلام آزادی است برای همه طبقات، برای زن، برای مرد، برای سفید، برای سیاه، برای همه (همان ج ۶ ص ۴۶۳). در این حکومت همه آزادند تا اظهار عقیده کنند. (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵: ۴۷۶).

امام خمینی با آنچه که از آن به آزادی از نوع غربی تعبیر می کردند مخالف بودند: "و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است" (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۵۳).

نتیجه گیری

با توجه به آنچه در بالا آمد، می توان نتیجه گرفت که اگرچه امام خمینی از مفهوم قدرت نرم استفاده نمی کردند، اما شاخص های مورد مطالعه نشان می دهد که بغیر از دو شاخص "سبک زندگی" و "لیبرالیسم" سایر شاخص های نظریه قدرت هوشمند جوزف نای را می توان در مورد نظریه قدرت امام خمینی به کار بست. البته بایستی توجه داشت که مبانی نظریه قدرت امام خمینی و مبانی نظریه جوزف نای تفاوت های ماهوی دارند، چرا که اولی مبتنی بر آموزه های اسلامی است و دومی مبتنی بر آموزه های غربی. اما در این مقاله تلاش شد با توجه به شاخص های قدرت هوشمند در نظریه جوزف نای قابلیت کاربردی آن در اندیشه سیاسی امام خمینی مورد بررسی قرار گیرد. بنیادهای قدرت هوشمند در نظریه جوزف نای به دو دسته تقسیم می شوند: داخلی و بین المللی و هر کدام شاخص های خود را دارند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که در زمینه بنیادهای داخلی قدرت نرم، شاخص های زیر قابلیت کاربردی در اندیشه سیاسی امام خمینی را دارند: انسجام اجتماعی، ارتقاء کیفیت زندگی، آزادی (البته با قید آزادی در چارچوب تعلیمات اسلامی)، رواداری، اعتلای فرهنگی (برای مثال، اعتلای دینی و قومی) و همچنین ویژگیهای جذاب یک سبک

زندگی (منظور از سبک زندگی جذاب، سبک زندگی با مخصات اسلامی است). نهادهای سیاسی قدرت بعنوان منابع قدرت هوشمند در اندیشه جوزف نای که قابلیت کاربست در اندیشه امام خمینی را دارند عبارتند از: دموکراسی، قانون اساسی گرای، تکثرگرایی و بروکراسی دولتی کارآمد. اما شاخص لیبرالیسم قابلیت کاربست در اندیشه سیاسی امام خمینی را ندارد.

همچنین تعداد زیادی از شاخص های بین المللی قدرت نرم در نظریه جوزف نای قابلیت کاربست در اندیشه امام خمینی را دارند که عبارتند از: احترام به قوانین، هنجارها و نهادهای بین المللی؛ اتکاء اساسی بر چندجانبه گرایی و عدم تمایل به یکجانبه گرایی، احترام به معاهدات و تعهدات بین المللی؛ و تمایل به قربانی کردن منافع ملی کوتاه مدت به منظور مشارکت در مصلحت عمومی. اما شاخص "سیاست خارجی اقتصادی لیبرال" قابلیت کاربست در اندیشه سیاسی امام خمینی را ندارد.

منابع

- ۱) اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۶). «الگوی بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: مدلی برای قدرت سازی بازیگران منطقه ای»، فصلنامه سیاست، زمستان، دوره چهل و هفتم، شماره ۴، ۸۵۳-۸۷۱.
- ۲) افتخاری، اصغر و کمالب، علی (۱۳۹۴). «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۵، شماره ۱۲، ۹-۲۰.
- ۳) رفیع، حسین و قربی، محمد جواد (۱۳۹۰). «بازخوانی قدرت نرم: مطالعه موردی عملیات روانی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، تابستان، شماره ۱۲، ۱۳۹-۱۷۴.
- ۴) سلطانی نژاد، احمد؛ جمشیدی، محمد حسین و پوردست، زهرا (۱۳۹۵). «دگرگونی مفهوم قدرت در پرتو فناوری نوین اطلاعاتی-ارتباطی»، دانش سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۲۳، بهار و تابستان، ۷۳-۹۸.
- ۵) علیا نسب و همکاران (۱۳۹۷). «بررسی راهکارهای پیشگیری از تضعیف قدرت نرم رهبری انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، بهار، شماره ۲۴، ۷۵-۹۴.
- ۶) فتاحی و همکاران (۱۳۹۷). «تجزیه و تحلیل الگوی قدرت نرم در خاورمیانه: مطالعه موردی عربستان سعودی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، بهار، شماره ۲۶، ۲۹۲۹-۶۲.
- ۷) فوزی، یحیی، ۱۳۹۳، اندیشه سیاسی امام خمینی، چاپ بیست و یکم، تهران: معارف.
- ۸) گلش پژوه، محمود رضا (۱۳۹۱). «نقش سازمان های اطلاعاتی در ارتقای قدرت نرم کشور»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، تابستان، شماره دوم (پیاپی ۵۶)، ۱۴۰-۱۷۷.
- ۹) موسوی خمینی، روح اله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۴، ۱۹، ۲۰، ۲۱.
- ۱۰) موسوی خمینی، سید روح اله (۱۳۸۱). تقریرات فلسفی امام خمینی، تقریر عبدالغنی اردبیلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- 11) Baldwin. D. A. (2016). Power and International Relations: A Conceptual Approach, Princeton University Press.
- 12) Barnett M. and Duvall R. (2005). "Power in International Politics," International Organization, vol. 59, Winter 2005, pp. 39-75.
- 13) Berenkoetter F. and Williams M. J. (ed.) (2007). Power in World Politics, Routledge; 1st Edition.
- 14) Clesse (eds.), Two Hegemonies: Britain 1846-1914 and the United States 1941-2001 (Aldershot: Ashgate Publishing, Ltd., 2002), pp. 165-182.
- 15) Dahl, Robert A. (1961). Who Governs? Democracy and Power in an American City, New Haven: Yale University Press.

- 16) Dahl, Robert A. (1957). "The Concept of Power." *Behavioral Sciences* 2(3): 1957. pp. 201-215.
- 17) Gilpin, Robert (2002). "The Rise of American Hegemony," in Patrick Karl O'Brien and Armand
- 18) Lukes, Steven. (2005). *Power: A Radical View*. Second Edition. Basingstoke: Palgrave MacMillan.
- 19) Nye, J. S. (2008). "Public Diplomacy and Soft Power." *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science* 616 (1) (March 1): 94–109. doi:10.1177/0002716207311699. <http://dx.doi.org/10.1177/0002716207311699>. Nye, J. S. 2008. "Public Diplomacy and Soft Power." *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science* 616 (1) (March 1): 94–109. doi:10.1177/0002716207311699. <http://dx.doi.org/10.1177/0002716207311699>.
- 20) Nye, Joseph (2002), *The Paradox of American Power: Why The World's only Superpower Can't Go it alone*, New York: Oxford University Press.
- 21) Nye, Joseph (2002). *The Paradox of American Power: Why The Worlds only Superpower Can't Go It alone*, New York: Oxford University Press.
- 22) Nye, Joseph S. (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.
- 23) Nye, Joseph S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.
- 24) Nye, Joseph S. Jr. (2002). *The Paradox of American Power*. Oxford: Oxford University Press.
- 25) Nye, Joseph S. Jr. (2010). "The Future of American Power: Dominance and Decline in Perspective." *Foreign Affairs* 89(6): 2010. pp. 2-12.
- 26) Nye, Joseph S. Jr. (2011). *The Future of Power*. New York: Public Affairs.
- 27) Nye, Joseph S. Jr. "The Future of American Power: Dominance and Decline in Perspective." *Foreign Affairs* 89(6): 2010. pp. 2-12.
- 28) Reveron, Derek S. (2010). *Exporting Security: International Engagement, Security Cooperation, and the Changing Face of the U.S. Military*, Washington, D.C.: Georgetown University Press.
- 29) Ulrich Beck (2005). *Power in the Global Age: A New Global Political Economy* (Malden, Mass.: Polity Press.
- 30) Wilson, Ernest J. III. "Hard Power, Soft Power, Smart Power." *American Academy of Political and Social Science Annals*. 616: 2008. pp. 110-124.